

۲-۱) حقیقت عمل از دیدگاه قرآن

در جلسه گذشته در مورد عمل و مفهوم آن و نیز گستره ی عمل از دیدگاه قرآن مطالبی بیان و به

آیات ۹۴ و ۱۰۵ سوره ی توبه اشاره شد. در ادامه بحث، بررسی حقیقت عمل را با تکیه بر دو آیه سوره توبه بیشتر مورد توجه قرار خواهیم داد :

✓ سوره توبه آیه ۹۴ :

.... و سیرى الله عملکم و رسوله ثم تردون الى عالم الغیب و الشّهاده فینبئکم بما کنتم تعملون .

✓ سوره توبه آیه ۱۰۵ :

و قل اعملوا فسیرى الله عملکم و رسوله و المؤمنون و ستردون الى عالم الغیب و الشّهاده فینبئکم بما کنتم تعملون .

همان طور که ملاحظه می شود این دو آیه به شهادت اعمال اشاره دارند، با این تفاوت که در آیه اول فقط خداوند و رسول و در آیه دوم علاوه بر آن ها، مؤمنون نیز به عنوان شاهدان اعمال ذکر شده اند. پیش از تفسیر و توضیح این دو آیه، به نکات زیر توجه خواهیم کرد^۱:

۱. در مورد شأن نزول این آیات، به نظر می رسد کل این آیات یک باره نازل شده و خطاب آیات به طور خاص منافقین می باشند.

۲. همان طور که در جلسه ی قبل توضیح دادیم در تفسیر آیات قرآن، مورد خاص آیه مانع برداشت

عمومی از آن می شود.

^۱. مرجع و پایه ی بحث هایی که ارائه می شود « تفسیر المیزان » و دیدگاه علامه طباطبایی^(ره) می باشد که گاهی به تناسب از دیدگاه های مفسرین دیگر نیز استفاده می شود.

توضیح : در مورد برخی از آیات قرآن کریم، شأن نزول وارد شده است. شأن نزول یعنی قصه و

داستانی که آیه در آن حادثه نازل شده است. بسیاری از آیات قرآن شأن نزول ندارند. شأن نزول آیه دلیل

بر انحصار آیات قرآن به همان واقعه و یا حادثه نمی باشد، بلکه از آیات قرآن باید استفاده کلی نمود .

در مورد آیاتی که از سوره توبه مورد بحث قرار گرفت، هرچند شأن نزول آیات در مورد منافقین بوده

است ولی دلیل بر انحصار مفهوم آیات به این گروه خاص نمی باشد، بلکه مورد استفاده، عام می باشد. اگر

بخواهیم آیات قرآن را با توجه به شأن نزول آنها محدود کنیم، باید برخی را خاص مشرکین، برخی اعراب،

برخی منافقین و یا آیاتی را منحصر به حضرت عیسی^(ع) و یا حضرت موسی^(ع) کنیم و آنها را کنار بگذاریم.

در این صورت دیگر چیزی از آیات قرآن برای استفاده ما باقی نخواهد ماند. لذا خطاب این آیات را به طور

کل و برای عموم در نظر می گیریم.

این برداشت از قرآن منطبق بر فرمایشات ائمه^(ع) می باشد، و علامه طباطبائی^(ره) این استنباط را با تکیه

بر روایات معصومین^(ع) مطرح و از آن به «جری» تعبیر فرموده اند. در روایات داریم قرآن مثل خورشید در

جریان است. خورشید هر روز طلوع می کند، به همه افراد نور می دهد و سپس غروب می کند. مجدداً روز

بعد طلوع و نور افشانی می کند و به همین ترتیب همواره در جریان است.

قرآن نیز مثل خورشید جریان دارد. آیه ای از قرآن در یک زمان خاص به گروهی معین اشاره داشته

است، ولی در زمان ما مثل خورشید طلوع می کند و به افراد جدیدی نور می دهد و مصادیق جدیدی از

آیات مشخص می گردد. آیاتی که در شأن نزول، گروه خاصی از منافقین را مورد خطاب قرار داده است، در

حال حاضر نیز به گروه دیگری از انسان ها اشاره دارد .

لذا قرآن کلی است نه جزئی؛ مثل یک خورشید در جریان است و در هر زمان و عصری با مخاطب خاصی تطبیق می‌کند. این تعبیر را می‌گوییم «جری»، یعنی قرآن جریان پیدا می‌کند و بر مصداق‌ها در هر زمان تطبیق می‌کند.

«جری» بسط شأن نزول آیات قرآن و بسط تفسیر قرآن است، لذا با «تأویل» قرآن متفاوت است. تأویل، تعمیق تفسیر قرآن است و لایه‌های درونی قرآن را توضیح می‌دهد. به عبارت دیگر، «جری» عرض تفسیر را بیشتر می‌کند، ولی «تأویل» عمق آن را.

باید توجه داشت در تفسیر آیات قرآن کریم و یا توضیح احادیث معصومین علیهم السلام، نمی‌توان برداشت‌های شخصی را به آیات و روایات تحمیل و به اصطلاح تفسیر به رأی کرد، بلکه باید از خود آیات قرآن و روایات اهل بیت^(ع) برای توضیح و تفسیر قرآن بهره برد.^۱

۳. آیات قرآن همگی از طریق وحی و از یک منشأ و از سوی وجود خدای واحد صادر شده و به تدریج به واسطه وجود مقدس پیامبر اکرم^(ص) در اختیار مردم قرار گرفته است. لذا همه آیات قرآن را می‌توان به عنوان یک کل در کنار هم مورد توجه قرار داد. احادیث منقول از معصومین علیهم السلام نیز همین‌گونه است. هر چند روایات توسط امامان معصوم^(ع) و در شرایط مختلف بیان شده‌اند ولیکن از آن جایی که این بیانات هیچ اختلافی با هم ندارند و همگی عین واقعیت هستند، مثل این است که همه روایات یک جا بیان شده‌اند.

۱. علامه طباطبایی^(ره) در تفسیر المیزان به روش بی‌نظیر و بدیعی از تفسیر قرآن با آیات قرآن بهره گرفته است.

حضرت آیت الله بهجت از قول استادشان مرحوم آیت الله کمپانی^(ه) نقل می فرمودند که در بررسی

احادیث باید آنها را به گونه ای که «فی مجلس واحد» صادر شده اند، در نظر گرفت؛ یعنی گویی همه آیات و روایات در یک مجلس واحد بیان شده است. بنابراین روش درست این است که ما همه آیات و روایات را یک جا در نظر گرفته و تفسیر و توضیح آیات قرآن و روایات اهل بیت^(ع) را از خود آیات و احادیث استنباط کنیم.

۴. برخی از آیات قرآن تحت عنوان آیات «محکمت» و برخی به عنوان «متشابه» مطرح هستند.

«محکمت» آیاتی هستند که در آن ها صراحت و ائقان وجود دارد، لذا خواننده بدون تردید و اشتباه به

معنایش پی می برد. بر خلاف آیات دیگر «متشابه» که مقصود از آن برای شنونده روشن نیست و چنان

نیست که به مجرد شنیدن، مراد آیه درک شود و ممکن است تردید حاصل شود و این تردید برطرف

نمی شود تا آنکه به آیات محکم رجوع و به کمک آنها معنای آیات متشابه مشخص شود که بعد از این ،

آیات متشابه نیز محکم خواهند بود.^۲

اکنون تفسیر و توضیح دو آیه ی مورد نظر را طبق عناوین زیر پی می گیریم :

۱. منظور از عمل در این آیات چیست ؟

منظور از عمل، ظاهر اعمال انسان ها نمی باشد ، چرا که دیدن ظاهر عمل، اختصاص به خداوند، رسول و

مؤمنان ندارد. بلکه همه ی مردم، حتی منافقان و مشرکان نیز با چشم سر می توانند ظاهر عمل را ببینند.

۱. آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی از اساتید علامه طباطبایی^(ره) نیز بوده اند .

۲. برای توضیح بیشتر به آیه ۷ سوره آل عمران و تفسیر آن مراجعه فرمایید .

برخی نیز بر این عقیده اند که منظور، دیدن نتیجه اعمال و با خبر شدن از آنها در آینده است، که این نظر را هم نمی توان پذیرفت. زیرا آگاهی از نتیجه اعمال نیز مختص به خداوند، رسول و مؤمنین نیست، بلکه بقیه ی افراد هم می توانند از نتیجه ی اعمال آگاه شوند.

منظور از دیدن اعمال نه «ظاهر عمل» و نه «نتیجه آن»، بلکه مشاهده «حقیقت عمل» است که قبل از قیامت مختص خداوند، رسول و مؤمنان خاص می باشد و در قیامت برای همه آشکار می شود. قیامت ظرف ظهور و تجلی اعمال است که خود شخص و دیگران از حقیقت عمل آگاه می شوند. این حقیقت برای اولیای الهی در همین دنیا هم آشکار می شود.

۲. منظور از مؤمنین در این آیه چه افرادی هستند؟

مسلم آن که همه مؤمنین قدرت شهادت و آگاهی از حقیقت عمل را ندارند. بلکه منظور آیه مؤمنین خاصی می باشند که در صدر آنها ائمه علیهم السلام قرار دارند.^۱

۳. (یری) در این آیات اشاره به چه نوع دیدنی است؟

در آیات قرآن به رؤیت، علم، آگاهی و اشاره شده است که نمی توان گفت در همه ی موارد منظور دیدن با چشم سر نیست. در این آیات نیز «یری» به مفهوم دیدن با چشم ظاهر نمی باشد. حقیقت عمل را با این چشم نمی توان مشاهده کرد. لذا معلوم می شود انسان متناسب با انواع حقایقی که

^۱ در آیات مذکور اختلافی وجود دارد. در آیه ۹۴ برخلاف آیه ۱۰۵ ذکری از «مؤمنون» به عنوان شاهد بر اعمال نیامده است که برای توضیح به تفسیر المیزان مراجعه فرمایید.

در عالم بیرون وجود دارد در درون، دارای لایه های تو در تو می باشد. در بیرون موجودات مادی وجود دارند که ما با جسم و وجود مادی خودمان می توانیم آنها را حس کنیم. ولی حقیقت عمل را که جسم نیست با یک بعد دیگر از وجودمان می توانیم درک کنیم. حقیقت عمل ذو مراتب است، لایه به لایه است. به تعبیر برخی وجود انسان علاوه بر این جسم، هفت لایه دیگر وجودی و باطنی هم دارد، که در تعبیر عرفانی از آنها به «لطایف سبع» تعبیر می شود. ضخیم تر و خشن تر از همه همین جسم ماست و به تدریج هفت لایه لطیف تر وجود دارد که ما هر سطح از حقیقت را با یک لایه از ابعاد وجودی مان می توانیم درک کنیم. بنابراین هر بعد از ابعاد وجود ما، حقیقتی متناسب با خودش را می تواند درک کند.

رو مجرد شو، مجرد را ببین

حقیقت عمل را با این چشم جسمانی نمی توان دید، بلکه با ابعادی از وجود که متناسب با همان حقیقت است قابل درک خواهد بود. انسان به هر میزان که مجرد شود، به همان میزان از حقیقت عمل بیشتر آگاه خواهد شد.

۴. مشاهدهی اعمال مورد اشاره در این آیات، مربوط به کدام عالم می باشد؟

با توجه به ادامه ی این آیه: «ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» می توان دریافت این مشاهده اعمال مربوط به همین دنیا است، زیرا «تَرَدُّونَ» (باز گردانده می شوید) به قیامت و جهان غیب اشاره می کند که در آن عالم و در قیامت همه ی مردم از حقیقت عمل آگاه خواهند شد. لذا «سَيَّرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ

المؤمنون» که قبل از آن بازگردانده شدن است اشاره به مشاهده‌ی اعمال در همین دنیا دارد؛ یعنی خداوند، رسول و مؤمنون در همین دنیا از حقیقت عمل آگاه می‌شوند.

۵. در قیامت چگونه انسان از عمل خود آگاه می‌گردد؟

برای پی بردن به مفهوم حقیقت عمل، آیاتی از قرآن را مورد توجه قرار می‌دهیم که در آنها ریشه‌ی

«نبأ» و مشتقات آن مانند «يُنَبِّئُكُمْ» در رابطه با عمل به کار رفته است. این آیات به فراوانی در قرآن کریم به کار رفته و از جمله همین دو آیه‌ی مورد بحث که در آنها «فَيُنَبِّئُكُمْ» آمده است.

«نبأ» یعنی خبر مهم و «يُنَبِّئُكُمْ» یعنی شما را از آن خبر مهم آگاه می‌کند.

علامه طباطبایی^(ره) در توضیح واژه «نبأ» فرموده اند، خبر و آگاه کردن دو نوع است. یک نوع از

خبر، لفظ، کلام و یا تصویری است (بنابر تعبیر ما) که از واقعه بیان می‌شود. ولی گاهی خبر، ارائه خود

حقیقت و عین واقعه‌ای است که اتفاق افتاده. به این مثال توجه کنید: خبری از رسانه پخش می‌شود. ما

گاهی با شنیدن از آن آگاه می‌شویم و گاهی تصویری از خبر را می‌بینیم. در هر دو صورت ما از خبر، اطلاع

پیدا می‌کنیم ولی در هیچکدام از این موارد، خود واقعه را ندیده ایم، بلکه کلام یا تصویری از واقعیت را

شنیده یا دیده ایم نه خود واقعیت را.

در قیامت «يُنَبِّئُكُمْ بما كنتم تعملون» اتفاق می‌افتد، یعنی از آن چه شما انجام داده اید، خبر داده

می‌شوید. این خبر دادن و این آگاهی چگونه انجام می‌پذیرد؟

ممکن است تصور شود در قیامت خداوند همه بندگان را می ایستاند و از آن جایی که «عالم الغیب و

الشهادة» است و به ظاهر و باطن همه آگاه، خودش و یا به کمک ملائکه شروع می کند به خبر دادن و آگاه

کردن بندگان. به طور مثال تو این کار را انجام داده ای و دیگری این کار.

این تصوّر، صحیح نیست. در قیامت خبر و یا تصویر خبر ارائه نمی شود، عین واقعیت است که نشان

داده می شود. ممکن است ما در این دنیا نماز خوانده باشیم و ظاهر عمل نماز را هم از نظر فقهی درست و

صحیح انجام داده باشیم ولی در باطن به نماز توجهی نکرده باشیم و فکر و ذهنمان جای دیگری بوده باشد.

حال در قیامت حقیقت نماز به ما نشان داده می شود، واقعیت نمازی را که خوانده ایم مشاهده می کنیم. در

کدام قسمت از نماز مشغول خودمان بوده ایم، در کدام قسمت مشغول دنیا و دیگران بوده ایم و در کدام قسمت

واقعاً مشغول نماز بوده ایم.

در قیامت بحث حقیقت عمل است. حقیقت نماز که معراج مؤمن است، نشان داده می شود. معلوم

می شود که چه قسمتی از نماز برای انسان عروج معنوی داشته و در چه قسمتی انسان مشغول خودش و دنیا

بوده است .

لذا با توجه به این گروه از آیات می توان به مفهوم حقیقت عمل پی برد، این حقیقت همراه نفس ماست

که در قیامت از آن پرده برداری شده و حقیقت اعمال خود و همه بندگان را در یک لحظه می بینیم. از این

روست که خداوند سریع الحساب است. این کار نیاز به آمار، تصویر، مامور و ملائکه ندارد.

مشاهده ی عین واقعیت است که در قیامت برای همه اتفاق می افتد . عین حقیقت عیان می شود لذا

چیزی کم و زیاد نمی شود ، ظلمی اتفاق نمی افتد و همگی تسلیم می شوند .

در ادامه بحث به آیاتی از سوره یوسف توجه خواهیم کرد :

✓ سوره یوسف آیه ۱۵ :

« فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ »

✓ سوره یوسف آیه ۸۹ :

« قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذَا أَنْتُمْ جَاهِلُونَ »

« فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ » یعنی وقتی یوسف ^(ع) را بردند. ذَهَبُوا با لفظ «ب» متعدی شده است یعنی او را

بردند. «اجمعوا» به معنی جمع شدن نیست، بلکه یعنی تصمیم، اجماع و اتحاد فکری برقرار کردند و تصمیم

جدی گرفتند که : «أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ» او را به داخل چاه تاریک بیندازند .

در ادامه آیه می فرماید : «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا» ما به یوسف ^(ع) وحی کردیم که به طور

قطع و یقین (با توجه به «ل» و «ن» مشدد که در لَتُنَبِّئَنَّهُمْ آمده و هر دو دلالت بر تأکید دارند) از کار آنها با

خبر خواهی شد.

این چیزی که خداوند در آیه ۱۵ از سوره یوسف فرموده و می خواهد حضرت یوسف ^(ع) را از آن آگاه

کند چه چیزی است؟ ظاهر کار برادران او و انداختن در چاه که واضح و آشکار است و خبر دادن

نمی خواهد.

حال از آیات دیگر این سوره جهت توضیح بهره خواهیم برد :

هنگامی که برادران یوسف برای بار دوم نزد او آمدند (فلما دخلوا عليه ... آیه ۸۸) و تقاضای خود را

جهت دریافت متاع مطرح کردند، یوسف ^(ع) آنها را خطاب قرار داده و می فرماید : «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ

بیوسف و اخیه اذ انتم جاهلون» آیا می دانید با یوسف و برادرش چه کردید؟! زمانی که جاهل بودید.

برادرانش با تعجب پرسیدند «قالوا ۛ اِنَّكَ لَآتَ یوسف» آیا تو یوسف هستی!؟

حال به توضیح این آیات با دقت توجه فرمائید :

خداوند در آیه ۱۵ به یوسف^(ع) می فرماید حقیقت کار برادرانت را به تو نشان خواهم داد، نه ظاهر عمل

آنها را که همان انداختن به چاه بود. ولی واقعیت و حقیقت عمل آنها چه بود؟ حقیقت کار، مکر و حيله بود

که در آیه ۸۹ به آن اشاره می کند : آیا به شما بگویم که با یوسف و برادرش چه کردید؟! که البته به علت

مروت و جوانمردی بیش از این توضیح نمی دهد و پرده برداری از واقعیت نمی کند .

این آیات می رساند واقعیت و حقیقت عمل آنها چیزی غیر از ظاهر آن بود که خداوند یوسف^(ع) را از

آن حقیقت آگاه کرده بود. یوسف^(ع) هم یکی از مصادیق همان مؤمنینی است که در آیه ۱۰۵ سوره توبه به

آنها اشاره شده و در همین دنیا از حقیقت عمل آگاه می شوند .

بنابراین در داستان حضرت یوسف^(ع) خبر دادن مطرح نیست. بلکه مشاهده ی عین واقعیت و حقیقت

عمل است. برادران یوسف ظاهر عمل به چاه انداختن را طور دیگری جلوه دادند و سعی کردند ظاهری زیبا

برای آن بسازند : وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً یبکون (آیه ۱۶) با گریه و زاری نزد پدرشان آمدند، ولی حضرت

یعقوب^(ع) در همان لحظه از حقیقت عمل آنها آگاه بود . یوسف^(ع) هم از همان موقع به چاه انداختن حقیقت

عمل آنها را می دید . این که در آیه ۱۵ می فرماید : «لَتنبئنهم» معنای دقیقش این است که تو به برادرانت

خبر خواهی داد، نه این که خودت خبر دار می شوی. حضرت یوسف^(ع) همان موقع حقیقت عمل آنها را

مشاهده می فرمود.

آیات زیادی در قرآن کریم به این مفهوم اشاره دارند که ما به همین موارد بسنده خواهیم کرد .

آیات فراوانی از قرآن به شهادت اعمال اشاره دارد البته خود موضوع شهادت مورد بحث نیست و این موضوع از شئون بحث امامت است که باید در جای خود بررسی شود. هدف ما از طرح این موضوع، عمل و حقیقت آن بود .

۲-۲) عرضه اعمال در روایات معصومین^(ع)

جهت تکمیل بحث به احادیث و روایاتی که در مورد عرضی اعمال بر معصومین علیهم السلام می باشد اشاره خواهیم کرد :^۱

✓ قال ابی عبدالله^(ع) : «ان الاعمال تُعْرَضُ عَلَیَّ فِی کُلِّ خَمِیسٍ»

از امام صادق^(ع) روایت شده است: کل اعمال امت در هر پنجشنبه بر من عرضه می گردد . « ال » که در لفظ الاعمال به کار رفته با توجه به این که خود کلمه اعمال جمع می باشد، معنی استغراق می دهد یعنی تمام اعمال بر من عرضه می گردد.

ادامه روایات هم بر عرضه اعمال بر رسول اکرم^(ص) و حضرت علی^(ع) تأکید می نماید.

✓ از امام کاظم^(ع) روایت شده است که از آن حضرت در مورد آیه ۱۰۵ سوره توبه سوال کردند. ایشان پاسخ فرمودند :

«إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ^(ص) کُلِّ صَبَاحٍ ، أَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا ، فَاحْذَرُوا .»

۱. احادیث این قسمت را می توانید در کتاب « البرهان فی تفسیر القرآن » ذیل آیه ۱۰۵ سوره توبه ملاحظه بفرمایید .

کل اعمال تمامی انسان ها، چه آدم های نیکو کار و چه آدم های فاجرو بد کار، هر صبح بر رسول

خدا^(ص) عرضه می شود، پس مراقب باشید.

✓ در حدیثی از امام باقر^(ع) آمده است :

«انّ الاعمال تُعرضُ علی نبیِّکم کل عشیة خمیس» در این روایت نیز عرضه ی اعمال بر رسول اکرم^(ص) در هر

عصر پنجشنبه آمده است .

ادامه ی همین روایت نتیجه اخلاقی بحث را مورد تأکید قرار می دهد :

«فَلیستَحِ احدکم ان یرض علی نبیِّه العمل القبیح» پس باید همه شما، تک تک شما، از این که عمل بد

شما بر پیامبرتان عرضه شود، حیا کنید.

نتیجه اخلاقی که از عرضه ی اعمال بر پیامبر اکرم^(ص) و ائمه^(ع) می گیریم این است که باید مراقب

اعمال خود باشیم. آن انوار مقدسه لحظه به لحظه اعمال ما را در هر کجا که باشیم، چه پنهان و چه

آشکار می بینند. ممکن است ما بتوانیم خودمان را به پنهان کاری بزنیم ولی لحظه به لحظه و همیشه ما مورد

توجه ایشان هستیم.

✓ در حدیثی از امام صادق^(ع) آمده است :

انّ الاعمال تُعرضُ علی رسول الله^(ص) فاذا کان یوم عرفة هبَطَ الرَّبُّ تبارک و تعالی و هو قول الله

تبارک و تعالی : « وَ قَدِمْنَا الی ما عملوا من عمل فَجَعَلْنَا هباءً منثوراً »^۱

۱ . در گروهی از روایات ، عرضه اعمال بر ائمه^(ع) مورد تأکید قرار گرفته است و در برخی از آنها ، ائمه^(ع) نامی از خودشان ذکر نکرده و فقط رسول اکرم^(ص) را بیان فرموده اند . آن طور که مشخص است این روایات در مقام تقیه بوده و حضرات معصومین^(ع) آنها را در حضور افرادی از غیر دوستان بیان کرده اند ، لذا ذکر ی از نام خودشان نکرده اند .

در این روایت بعد از اشاره به عرضه‌ی اعمال بر رسول خدا (ص) در هر پنجشنبه با ذکر آیه ۲۳ سوره

فرقان می‌فرمایند: خداوند همه اعمال شما را تباه می‌کند و از بین می‌برد. (هباءً منثوراً به معنی گرد و خاکی است که به آسمان بلند شده و در هوا پخش می‌شود).

راوی از امام صادق (ع) سوال می‌کند: اعمال من هذبه؟ اعمال چه کسانی این گونه تباه می‌شود؟ حضرت

پاسخ فرمودند: اعمال مُبَغِضِینَا و مُبَغِضِی شِیعَتِنَا . اعمال کسانی که دشمن ما و دشمنان شیعیان ما هستند .

یعنی اعمال همه انسان‌ها، حتی دشمنان ائمه (ع) نیز بر ایشان عرضه می‌گردد.

در روایت دیگری که مشخص نیست کدام معصوم فرموده‌اند ولیکن با توجه به راوی آن (محمد بن ابی

عمیر) سند آن قطعی است ، آمده است :

تُعْرَضُ الْاَعْمَالُ الْعِبَادِ فِی یَوْمِ الْخَمِیسِ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ (ص) و عَلٰی الْاِئِمَّةِ (ع) .

در این روایت به کلمات الاعمال، العباد و الائمه توجه کنید. با توضیحی که ذکر شد یعنی کل اعمال

تمامی بندگان بر همه ائمه عرضه می‌شود (دقت کنید).

از این جا مشخص می‌شود هر کسی که شأنی از شئون امامت را داشته باشد و به مقام معنوی امامت

رسیده باشد ، اعمال بر او عرضه می‌گردد . عرضه‌ی اعمال از ویژگی افرادی است که به مقام امامت و

۱. سوره فرقان آیه ۲۳

ولایت رسیده باشند. (منظور مقام معنوی امامت است نه جایگاه امامت جعلی و جانشینی پیامبر) البته امامان

معصوم (ع) دارای حد اعلای این مقام ولایت و امامت بوده‌اند.

✓ در حدیث دیگری سماعه از امام صادق (ع) روایت می‌کند که ایشان فرمودند :

مالکم تَسْوُونَ اَلی رسول الله (ص) ؟

چرا شما رسول خدا را ناراحت می کنید ؟

شخصی حاضر بود و از امام (ع) پرسید : جُعِلْتُ فِدَاک و کَیْفَ نَسُوهُ ؟

فدایت شوم، چگونه ما ایشان را ناراحت می کنیم ؟ امام صادق (ع) پاسخ فرمودند :

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ ، فَإِذَا رَأَى مَعْصِيَةَ اللَّهِ سَاءَهُ ، فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ سَرَّوَهُ .

آیا نمی دانید اعمال شما بر ایشان عرضه می گردد ، هنگامی که ایشان می بینند شما معصیت خدا را کرده اید

ناراحت می شوند، پس رسول خدا (ص) را ناراحت نکنید، و او را خوشحال کنید.

در عرضهی اعمال بر رسول خدا (ص) و ائمه (ع)، منظور دیدن حقیقت عمل است. نه اینکه تصور شود

اعمال ما به شکل مکتوب و داخل یک پاکت و یا فهرستی از اعمال انجام شده، در اختیار ایشان قرار

می گیرد! بلکه پیامبر در نفس ما، اعمال ما را می بینند. دیدن، رؤیت ظاهری نیست و عمل هم اعمال ظاهری

نیست. آنچه که عرضه می شود حقیقت عمل و اثر آن در جایگاه اصلی عمل که روح انسان است، می باشد .

لذا پیامبر اکرم (ص) به طور دائم و همیشگی اعمال ما و روح ما را می بینند. مقام شهادت یعنی که آنها همیشه

شاهد اعمال ما هستند.

✓ روایت دیگری که قبل هم اشاره شده بود از «بُرید» نقل شده است که ایشان از امام صادق (ع) از آیه

۱۰۵ سوره توبه سوال می فرماید که منظور آیه چیست؟

امام صادق (ع) در جواب می فرماید : إِيَّا نَا عَنَى .

یعنی منظور از مؤمنین در این آیه فقط ما هستیم. البته توضیح دادیم منحصر در معصومین^(ع) نمی باشد بلکه آنها مصداق بارز این مؤمنین هستند.

✓ روایت دیگری از امام باقر^(ع) در تفسیر همین آیه آمده است :

مَامِنَ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ وَلَا كَافِرٍ فَيُوضَعُ فِي قَبْرِهِ حَتَّى يُعْرَضَ عَمَلُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ^(ص) وَعَلَى عَلِيٍّ^(ع) ، فَهَلُمَّ جَرًّا إِلَى آخِرِ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعِبَادِ .

هر مومنی که می میرد و هر کافری که از دنیا می رود و در قبر نهاده می شود کل اعمال عمرش بر رسول خدا^(ص) و علی^(ع) عرضه می شود. و همینطور تا آخرین کسی که خدا اطاعتش را بر بندگان واجب کرده است (یعنی ائمه^(ع))

✓ در روایت دیگری ابی بصیر که از راویان بسیار موثق می باشد در مورد همین آیه از امام صادق^(ع)

می پرسد : مَنْ الْمُؤْمِنُونَ؟ مومنون چه کسانی هستند؟

امام صادق^(ع) پاسخ می فرماید: مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ غَيْرَ صَاحِبِكُمْ؟ تو خیال می کنی به غیر از ما که صاحب شما هستیم چه کسی می باشد .

✓ در روایت دیگری محمد بن مسلم که از راویان بسیار بزرگ و مهم می باشد از امام باقر^(ع) در مورد

عرضه اعمال بر رسول خدا^(ص) سوال می کند : سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَعْمَالِ ، هَلْ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ^(ص) ؟

امام باقر^(ع) در پاسخ می فرمایند: ما فيه شك! تردیدی در آن نیست. یعنی بحث عرضه‌ی اعمال بر رسول خدا^(ص) و ائمه^(ع) و شهادت آنها بر اعمال، از مسلمات عقاید شیعه می باشد. امام باقر^(ع) در پاسخ به همان آیه اشاره می فرماید: أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: وَ قُلْ اَعْمَلُوا فِى سَبِيْرِ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ . سپس فرمودند: لِلَّهِ شُهَدَاءُ فِى اَرْضِهِ . خداوند شاهدانی در روی زمین دارد .

امام^(ع) در این روایت علاوه بر رسول خدا^(ص) به دیگر شاهدان نیز اشاره فرموده اند ولیکن ظاهراً در مقام تقیه بوده اند و از ذکر صریح خودداری کرده اند .

✓ در روایت دیگری آمده است که «عبدالله بن ابان» دچار گرفتاری بوده و از امام رضا^(ع) می خواهد او و دوستان اهل بیت^(ع) را دعا کنند: قُلْتُ لِلرَّضَا^(ع) وَ كَانْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ شَيْءٌ ، اَدْعُ اللّٰهَ لِيْ وَ لِمَوَالِيْكَ .

امام رضا^(ع) در پاسخ می فرماید: وَ اللّٰهُ اِنَّ اَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِى كُلِّ خَمِيْسٍ . به خدا قسم که اعمال شما در هر پنجشنبه بر من عرضه می گردد (یعنی من از اوضاع و احوال شما و گرفتاری های شما آگاهم).

با مروری گذرا بر روایاتی که بیان شد، خواهیم یافت عرضه‌ی اعمال بر رسول خدا^(ص) و ائمه^(ع) به طور صریح مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی روایات عرضه‌ی اعمال در روز دوشنبه، برخی پنجشنبه، در برخی هر صبح و عصر و در برخی اول و یا آخر هر ماه ذکر شده است. همچنین در روایاتی که ذکر نشد، ارائه اعمال به هنگام مرگ و در احادیثی در شب قدر و روز عرفه هم آمده است .

در هر حال، نتیجه‌گیری می‌کنیم پیامبر اکرم^(ص) و ائمه^(ع) دائم الحضور هستند و همیشه، لحظه به لحظه

و به طور دائم از اعمال ما آگاه بوده و نفس ما را می‌بینند. لیکن در اینجا این سؤال مطرح است که چرا

عرضه‌ی اعمال بر رسول اکرم^(ص) و اهل بیت^(ع) در صبح و شب و یا ساعت، روز و ماه قید شده است؟

در پاسخ، برخی که نتوانسته‌اند تحلیل خوبی داشته باشند، اینها را تشریفات دانسته‌اند. یعنی شهود

اعمال را لحظه به لحظه و دائمی و این مواردی که در روایات آمده را عرضه تشریفات دانسته‌اند.

ما در پاسخ می‌گوییم آنچه در آیات قرآن به عنوان شهادت اعمال آمده است، یک واقعیت بیرونی

است نه یک امر تشریفات. یک رؤیت و مشاهده حقیقی، یک شهادت باطنی و همیشگی است و منظور از

عمل هم حقیقت عمل می‌باشد.

این عرضه، عرضه تشریفات نیست بلکه مشاهده‌ی حقیقت و واقعیت است.

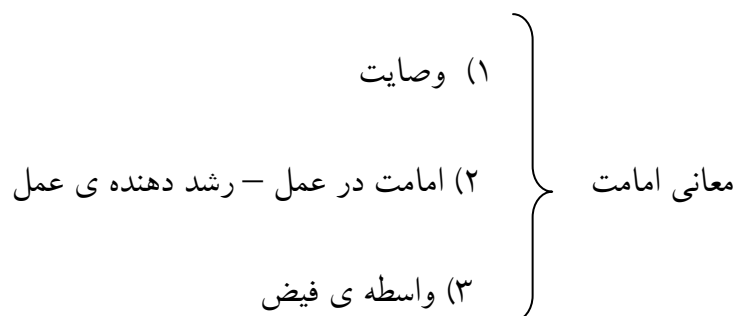
اینکه در روایات قید روز، ساعت و ماه شده به واقع صراحت و تأکیدی است بر همان مشاهده‌ی لحظه

به لحظه و همیشگی. این قیود آنالیز شده‌ی همان مشاهده دائمی است که خداوند به این وسیله خبر

از مشاهده‌ی دائمی اعمال می‌دهد. قید ساعت، روز، هفته، ماه و سال به واقع بیان دائمی و همیشگی بودن

عرضه اعمال است و این دو با هم منافاتی ندارند.

۲-۳) تبیین مقام شهادت بر عمل و جایگاه آن در مقام امامت



جهت تکمیل بحث، اشاره ای مختصر به موضوع امامت و مراتب آن خواهیم داشت .

امامت گاهی به معنی وصایت و جانشینی می باشد. هر پیامبری به جهت انجام دو وظیفه اصلی تبیین دستورات دین و اجرای احکام آن، فردی را به عنوان وصی و جانشین بعد از خود تعیین و معرفی می نماید. وصی، هم دارای مرجعیت علمی و دینی است، هم دارای مرجعیت اجتماعی برای اجرای دین.

در مورد دین اسلام هم ما معتقد هستیم پیامبر اکرم (ص) بعد از خودش افرادی را به عنوان وصی و امام تعیین و معرفی نموده تا دو وظیفه اصلی تبیین دین و اجرای احکام را انجام دهند که متأسفانه عده ای دین را از مسیر خود خارج و به جانشینان پیامبر نه اجازه مرجعیت علمی و دینی را دادند و نه حکومت را در اختیار ایشان گذاشتند. البته ما شیعیان هر چه داریم از ائمه (ع) می باشد و تا حد امکان از مرجعیت علمی جانشینان پیامبر بهره برده ایم.

اگر امامت را در این جایگاه و فقط به عنوان وصایت و جانشینی پیامبر در نظر بگیریم، پایین تر از نبوت قرار می گیرد چرا که اصل، پیامبر است و وصی فرع آن.

حال برای توضیح معنی دوم امامت (رشد دهنده ی عمل) که یک مفهوم معنوی است به این مقدمه دقت

کنید. خداوند در انجام امور دنیا از اسباب و وسایط دنیوی بهره می برد. به عنوان مثال برای نزول باران،

بسیاری از امور مادی و دنیوی واسطه می شوند تا باران بیارد. آیا در امور معنوی این گونه نیست؟ آیا

هدایت انسان ها نیاز به ابزار و واسطه ندارد؟ به طور قطع خداوند در امور روحی و معنوی نیز از اسباب و

واسطه استفاده می کند. مثلاً کسی می خواهد از نظر معنوی رشد کند و از هدایت الهی بهره ببرد. این رشد و

هدایت از نظر درونی با چه اسبابی صورت می پذیرد؟ معلوم است که این کار نیز به واسطه هزاران عامل و

واسطه انجام می شود.

با این مقدمه ای که بیان شد، ما معتقدیم در رأس تمامی این عوامل معنوی، امام قرار دارد. امام است

که رشد دهنده ی واقعی اعمال است. امام است که رهبری باطنی را برعهده دارد. این کاری است که ائمه^(ع) در

هر زمانی و امام زمان^(عج) در عصر ما، انجام داده و می دهند. در زمان غیبت، تبیین و اجرای دین بر عهده

فقها گذاشته شده است، ولی این رهبری و زعامت باطنی را خود امام زمان^(عج) بر عهده دارند. امام از تک

تک اعمال ما با خبر است، اسباب را فراهم می کند و از درون ما را هدایت می کند.

این مرتبه از امامت که رهبری معنوی و هدایت درونی همه ی انسان ها (چه خوب و چه بد) است،

بالا تر از نبوت قرار می گیرد. ممکن است فردی نبی باشد، رسول باشد، بر او وحی هم بشود ولی به این مقام

از امامت نرسیده باشد .

در قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است. حضرت ابراهیم^(ع) مؤمن واقعی بود، خلیل الله بود، یعنی

بین او و خداوند رابطه ی بسیار دوستانه و عاشقانه بر قرار بود، بعد نبی و رسول شد. بعد از رسیدن به

جایگاه نبوت و بعد رسالت، خداوند او را به مقام امامت می‌رساند: اِنِّیْ جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَامًا (سوره بقره - آیه ۱۲۴) در مورد انبیاء دیگر هم داریم: جَعَلْنَا هُمْ اَئِمَّةً یَهْدُوْنَ بِاَمْرِنا (سوره ی انبیاء آیه ۲۳) لذا این مقام امامت، از نبوت و وحی بالاتر است که فقط یک گروه خاص از انبیاء این مقام را داشته‌اند.

ایرادی که اهل سنت و وهابیون بر شیعه می‌گیرند که ما امامان را از پیامبر اکرم^(ص) بالاتر می‌دانیم، ایراد بیهوده‌ای است. چون آنها موضوع را نفهمیده‌اند. ما مقام امامت با این تعریف را بالاتر از نبوت می‌دانیم، ولی پیامبر اکرم^(ص) این مقام امامت را در حد‌اعلای خود دارا بوده‌اند. یعنی رسول اکرم^(ص) علاوه بر نبوت و وحی، بالاترین درجه‌ی امامت را دارا بودند.

و اما معنی سوم و جایگاه بالاتری از امامت را تحت عنوان « واسطه‌ی فیض خداوند » تعریف می‌کنیم. امام، حلقه‌ی اتصال بنده به خداوند است. اگر از سوی بنده به سمت خدا بالا برویم، آخرین حلقه اتصال به وجود لایزال الهی، امام می‌باشد. این مقام، بالاتر از پیشوای اجتماعی، دینی و حتی زعامت باطنی و معنوی است. امام پیشوای کل است، واسطه‌ی مطلق فیض خداوند در همه‌ی امور هستی است. ولایت تکوینی هم اشاره به همین مفهوم دارد. معنی دومی که برای امامت بیان شد، شعبه‌ای از همین واسطه‌ی فیض است.

هدف ما از طرح این موضوع، تبیین مقام شهادت بر اعمال در بحث امامت بود. مقام شهادت بر اعمال به واقع از شئون همان معنی دومی است که برای امامت بیان شد. ممکن است کسی نبی نباشد رسول نباشد، ولی این مقام شهادت بر اعمال و این جایگاه از امامت را دارا باشد. مثل وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا^(س). و یا از سوی دیگر کسی رسول باشد ولی این جایگاه و این مقام معنوی را دارا نباشد.

برخی انبیاء فقط وظیفه هدایت ظاهری مردم را دارند. وحی تشریحی به آنها می‌شده و وظیفه تبلیغ دین

را داشته‌اند ولی خداوند وظیفه‌ی هدایت درونی و باطنی را از آنها نخواسته است. ولی برخی دیگر هم

هستند که وظیفه تشریح و تبلیغ دین را نداشته‌اند، مقام نبوت را نداشته‌اند ولی از جهت معنوی دارای مقام هدایت باطنی هستند.

بنابراین اگر بخواهیم دقیق بگوییم، نبوت یک چیز است و امامت چیز دیگری. این دو، جایگاهی

مستقل از هم دارند. هر چند که قابل جمع در یک فرد می‌باشد.

با این توضیحی که بیان شد، یکی از شوون امامت به معنای دوم، شهادت بر اعمال است. امام به عنوان

رهبر معنوی و باطنی بر اعمال کل خلایق شاهد است. حقیقت اعمال همه‌ی خلایق را لحظه به لحظه می‌بیند.

هر کس به مقام امامت برسد، این شأن شهادت اعمال را نیز دارد.

۲-۴) ذو مراتب بودن عمل

پیش از این گفتیم عمل در اصطلاح قرآن هم به عمل جسمانی گفته می‌شود، هم عمل روحی و نفسانی. اکنون می‌گوییم عمل دارای مراتب می‌باشد. ابتدا ظاهر عمل قرار دارد. بعد از آن حقیقت برزخی، سپس حقیقت نفسانی و بالاتر از آن حقیقت عقلانی عمل قرار دارد تا برسد به حقیقت توحیدی آن. همانطور که برای انسان هفت لایه درونی تعریف می‌کنند، حقیقت عمل نیز علاوه بر ظاهر و پیکره‌ی آن، دارای هفت مرتبه است.

کاری که انسان انجام می‌دهد، هم با اعضاء و جوارح انجام می‌دهد، هم با روح. روح هم لایه لایه است، لذا انسان عمل را با تمامی ابعاد وجودی روحش انجام می‌دهد. پوسته‌ی بیرونی آن ظاهر عمل است و درون آن باطن عمل. به طور مثال ما نماز می‌خوانیم. اعضاء و جوارح ما ظاهر نماز را انجام می‌دهند. بالاتر از آن ذهن ما که به واقع عالم برزخ ماست هم مشغول نماز است. بالاتر از ذهن، نفس ما و روح ما قرار دارد که باید مشغول نماز باشند. بنابراین عمل یکی است ولی تمام ابعاد وجودی ما مشغول انجام آن هستند.

وقتی ما می‌گوییم امامان معصوم علیهم السلام شاهد اعمال ما هستند، یعنی آن‌ها از تمام مراتب اعمال ما، از تمام لایه‌های اعمال ما با خبرند و آنها را می‌بینند که حتی شاید خود ما هم به طور دقیق از آنها خبر نداشته باشیم، ولی شاهدان، تمامی آن‌ها را مشاهده می‌کنند. البته بحث ذو مراتب بودن عمل، توضیح بیشتری می‌خواهد، ولی جهت تکمیل بحث شهادت اعمال به همین مقدار بسنده می‌شود و بحث مفصل در این رابطه باید بعد از بحث «لطایف سبعه» انجام گیرد که به فرصت دیگر محول می‌کنیم.

پاسخ به سؤالات :

* با توجه به اینکه در قیامت، حقیقت عمل ما برای همه مشهود می‌شود، چه ضرورتی بر شهادت

اعضاء وجود دارد؟

تمام موجودات هوشیار هستند و با توجه به شعوری که دارند در قیامت اقامه ی حق می‌کنند. واژه

« قیامة » با ة مصدری در لغت عرب به معنی « برپایی » می‌باشد. چه چیزی برپا می‌شود؟ عین حقیقت و

واقعیت اقامه می‌شود. همه موجودات در قیامت محرم می‌شوند، به صدا در می‌آیند و شهادت می‌دهند.

ما سمیعیم و بصیریم و هوشیم

با شما نا محرمان ما خاموشیم

* آیا حضرت یوسف^(ع) در همان دوران کودکی از حقیقت عمل برادرانش با خبر بود؟

بله، با خبر بود. هر چند که در آن زمان به نبوت نرسیده بود ولی طبق آیه قرآن، در همان موقع، حقیقت عمل

آنها را می‌دید.

خدایا در ظهور وجود مقدس امام زمان^(عج) تعجیل بفرما و اعمال ما را مورد رضایت آن وجود نازنین

قرار بده .

آمین